استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

حمید انوری پنجشنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۲۶

"مدحِ نااهل، هجوِ خویشتن است"

" یکی از نشانه های برجستهٔ بلوغ فکری، رشد فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی هر ملت، میزان احترام و قدرشناسی آن نسبت به دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر گرانبهای خویش را در راه گسترش دانش، روشن ساختن حقایق تاریخی و حفظ میراث فرهنگی جامعه صرف کرده اند..."

دوست معزز، موشگاف و گرانقدری، طی یک ایمیل مختصر این کمترین را متوجه ساختند که در سایت بی در و دروازه و دروازه بان، در سایتی که با درد و دریغ لانهٔ یک مشت زیردار گریختگی گردیده است و...، در یک قسمت از قسمت های متعددی که در آن صفحه ایجاد کرده اند و نام آنرا گذاشته اند، "برگزیده های هفته"، بیشتر از یک ماه تمام است که یک نوشتهٔ از یک پرچمی زیردار گریختگی و وامانده و مردم رانده و خدا شرمانده و...، گویا جا خوش کرده و همانجا میخکوب گردیده است و هیچ فردی در آن سایت وجود ندارد تا باری نظری بر محتویات آن انداخته و لااقل گویا سر و وضع و محتویات آنرا از نظر تیز بین خویش گذشتانده و آنرا کنترول نماید و...

در بالا یک قسمت از نوشتهٔ چاپلوسانهٔ یک زیردار گریختگی پرچمی و یکی از بوت پاکان و چاپلوسان و جاسوسان، فرد سادیست و روانی و جنایت گستر و خائن و خونریز و ددمنش بنام نجیبِ گاو را به رنگ مورد علاقهٔ آن زیردار گریختگی ها، یعنی سرخ که رنگ خون است و خون آدمی زادگان و فرزندان سرافراز کشور عزیز ما، افغانستانِ به خون کشیده شده که بی حساب توسط نجیب گاو، رئیس و همه کارهٔ سازمان جاسوسی غلامان روس در افغانستان بر زمین ریخته شد و...، جهت اطلاع بیشتر هموطنان آوردم تا هموطنان فراموش نکنند که چگونه یک جنایت کار که همانا فرد زیردار گریختگی بنام"عبدالقیوم میرزاده"باشد، از یک زیردارگریختگی دیگر بنام" محمد اعظم سیستانی"، عضو شورای انقلابی" رژیم خونریز و ددمنش"دموکراتیک خلق"، تعریف و توصیف میکند و به اصطلاح شیرین

مردم افغانستان مبنی بر اینکه" تو مرا گل آغا بگو تا من ترا شیرآغا بگویم"، گاهی این یکی گُلی بر کاکل آن یکی میزند و بعد هم آن یکی گُلی بر کاکل این دیگر و همین گونه روزگذرانی میکنند و سایت بی در و دروازۀ بنام نامأنوس" افغان- جرمن آنلاین" که نه به افغان و افغانستان علاقه دارد و نه هم به جرمنی، در همان قسمت که باری آنرا بنام" برگزیده های هفته" مسمی نموده بودند، بیشتر از یک ماه میشود که ماندگار گردیده است و هیچ مسؤلی وجود ندارد تا گویا دستی بر سر و روی آن سایت کشیده و آنرا در زمان معین و مشخص که باری نام گذاری نموده بودند، عیار ساخته و گویا بینی خمیری برای سایت واماندۀ مذکور دست و پا نمایند.

و اما برگردیم به همان گویا یک پاراگراف از خوش خدمتی ها و چاپلوسی های بالا که یک زیردارگریختگی برای رفیق دیگر زیردارگریختگی حزبی خود نوشته است و در سایت واماندۀ"افغان-جرمن"، بیشتر از یک ماه است که میخ، سرش و یا هم نت و بولت گردیده است:

"یکی از نشانه های برجستۀ بلوغ فکری، رشد فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی هر ملت، میزان احترام و قدرشناسی آن نسبت به دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر گرانبهای خویش را در راه گسترش دانش، روشن ساختن حقایق تاریخی و حفظ میراث فرهنگی جامعه صرف کرده اند..."

حال مختصر درنگی میکنیم بر این چرندیات"میرزاده" و قضاوت آخر هم به دوش هموطنان.

قلم فرسائی و جفنگ نویسی این زیردار گریختگی وامانده و سرسپردۀ نجیب جلاد را در مدح و ثنای "محمد اعظم سیستانی" که در زمان تجاوز روس بر افغانستان، با بی غیرتی تمام و وجدان نداشتۀ خود در آغوش تجاوزگران ددمنش و خون ریز روسی خفته بود و...، اندکی تجزیه و تحلیل کرده و قضاوت را هم میگذارم به دوش خوانندگان هموطن.

" یکی از نشانه های برجستۀ بلوغ فکری، رشد فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی هر ملت، میزان احترام و قدرشناسی آن نسبت به دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر گرانبهای خویش را در راه گسترش دانش، روشن ساختن حقایق تاریخی و حفظ میراث فرهنگی جامعه صرف کرده اند..."

یعنی به زعم جنرال قنسل نجیبِ گاو در پشاور، هر آن کس که از رفقای حزبی ایشان که یکی از آنان همانا "محمد اعظم سیستانی " باشد، تعریف و توصیف کرد و گویا گُلی بر کاکُل کدام پرچمی زیردار گریختگی زد و...، دارای گویا بلوغ فکری و رشد فرهنگی و...، است و در غیر آن هیچ. این کمترین اما نمی دانم که حق گوئی و حقیقت گوئی و شرافت و صداقت و ایمان و عشق به میهن و مردم و... آیا

می شود در کدام یکی از این شرف باختگان، باری سراغ کرد و یا اینکه به منزلهٔ سوزنی را در خرمن کاه باید جست و جو کرد و...

و اما برگردیم به زمانی که جناب"میرزاده" فرستادهٔ نجیب گاو در پشاور بودند و رفیقِ شفیق شان"محمد اعظم سیستانی" در شورای انقلابی رژیم خونریز و ددمنش و غلام تجاوزگران ددمنش روسی، با کمال راحتی و بی غیرتی و بی مسؤلیتی و...، چنان لمیده بودند که تو گوئی" از پی امروز هرگز نبود فردائی".

و اما به یاد بیآوریم که در بعد از کودتای ننگین ثور و بعد هم مرحلهٔ نوین"ننگین"، آن، یعنی ششم جدی ۱۳۵۸، حزبی های جنایت گستر و ددمنش خلقی و پرچمی و سادیستان خادی و وادی آنان، زمانیکه جناب"میرزاده" و میرزاده ها و "سیستانی" و سیستانی های مانند آنان بدون اندک ترین دغدغه و عاری از وجدان و شرف و غیرت و شهامت و انسانیت و افغانیت، بی خیال در کرسی های دولتی که تجاوزگران روسی برای شان ارزانی داشته بودند، چنان فارغ البال لمیده بودند که نگو و نپرس، در چنان شرایط وحشت و دهشت و بگیر و ببند و بکُش که در زندانهای متعدد مرکز و ولایات افغانستان به ده ها و صدها هموطن شجاع و باشرف و باعزت ما و هزاران هزار " دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگران..." افغان زمین، سلاخی می شدند و...، باری هم خمی بر ابرو نیاوردند و... اینهم گوشهٔ از آن جنایات وحشتناک که فقط و فقط یک قسمت آنرا اینجا می آورم تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد.

{ در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق و اشغال افغانستان توسط شوروی (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ خورشیدی / ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹ میلادی)، ده ها تن از استادان پوهنتون کابل، پژوهشگران و دانشمندان افغان بازداشت، شکنجه و در زندان هایی مانند پلچرخی و پلیگون ها اعدام یا ناپدید شدند.

بر اساس اسناد تاریخی، گزارش های حقوق بشری و فهرست های مستند (از جمله فهرست پنج هزار شهید منتشرشده از سوی محکمهٔ هاگ- هالند)، قشر تحصیل‌کرده و دانشگاهی به دلیل استقلال فکری و مخالفت با اشغال و استبداد، نخستین هدف سرکوب های سیستماتیک بودند.

فهرست استادان شناخته شده پوهنتون کابل که اعدام شدند

بخش بزرگی از این استادان در فاصلهٔ کودتای ثور ۱۳۵۷ تا نخستین سال‌های اشغال شوروی اعدام شدند:

۱ .پوهنځی طب

- **داکتر عبدالفتاح همراه .**استاد برجسته پوهنځی طب کابل.
- **داکتر عبدالعظیم مجددی .** داکتر و استاد پوهنتون.
- **داکتر سید کاظم دادگر .**داکتر و استاد پوهنځی طب (برادر استاد سید هاشم صاعد).
- **داکتر حاج علی جاغوری .**استاد پوهنځی طب.
- **داکتر عبدالظاهر رزبان .**استاد پوهنتون.
- **محمد هاشم مهربان، داکتر عبدالغفار و داکتر عبدالاحد .**از کادر های علمی پوهنځی طب .

۲ .پوهنځی شرعیات

- **استاد غلام محمد نیازی .**رئیس پیشین پوهنځی شرعیات و از بنیان‌گذاران نهضت اسلامی افغانستان.
- **استاد وفیع‌الله سمیعی .**استاد حقوق اسلامی و از چهره های علمی برجسته.
- **استاد حبیب الرحمن، استاد ایاز الله مخه‌ور، استاد غلام فاروق و استاد نصیر احمد** از استادان این پوهنځی.

۳ .دیگر پوهنځی ها (ساینس، ادبیات، انجنیری، حقوق و اقتصاد)

علاوه بر پوهنځی های طب و شرعیات، ده ها تن از استادان برجستهٔ سائر بخش ها نیز قربانی این سرکوب ها شدند؛ از جمله داکتر محمد یونس اکبری (استاد فیزیک هسته‌ئی) در زندان پلچرخی، استاد عبدالغفور سلطانی و فضل احمد احراری، استادان زبان و ادبیات نظیر زمریالی ناصری، محمد علم نورستانی و علی حیدر لهیب، سید علی‌آقای بلخی از پوهنځی انجینیری، و استادان علوم اجتماعی، حقوق و اقتصاد (مانند محمد عارف، نجیب الله و عزیز الله). }

این لیست با درد و دریغ که سر دراز دارد و آنرا پایانی متصور نیست.

شرمندهٔ آن استادان بی بدیل و گرانقدر افغان زمین که با شقاوت و ددمنشی خلقی ها و پرچمی ها و اربابان تجاوزگر و ددمنش روسی شان به کشتارگاه ها فرستاده شدند و هرگز برنگشتند و حتی لیست نام های آنان، مانند بیش از صد هزار هموطن دیگر ما که در هنگام سقوط رژیم سفاک و خونریز خلق- پرچم، طبق دستور نجیب گاو، همه به آتش کشیده شدند تا بالای جنایات ددمنشانهٔ آنان خاک ریخته شود، غافل از آنکه تاریخ حافظهٔ قوی دارد و با تعریف و توصیف یک جانی و جنایتکار، جانی و جنایتکار دیگر، سفید رو نمی شود که نمی شود. در صورت ضرورت این لیست را همچنان

ادامه خواهیم داد و آنرا دنبال خواهیم کرد، تا سیه روی شوند،"میرزاده" ها و"سیستانی" ها و اعوان و انصار شان و نیز سایت های بی در و پیکری که بازیچهٔ دستان خونین آنان قرار گرفته اند.

بگذار"میرزاده" ها از"سیستانی " ها تعریف و توصیف کنند و برعکس و یکی دو سایت بی غمباش و بی مسؤلیت و...، این چرند های زیردار گریختگی ها را بار بار و چندین بار نشر کنند و یا هم در قسمت "برگزیده های هفته" خود برای بیشتر از یک ماه جابجا کنند، عاقبت حق جای خود را می گیرد و سیه رو می شوند، آنانی که از قاتلین یک ملت، بت و مجسمه و قهرمان می سازند و آنان را بر فرق سر و تخم چشم خود می نشانند.

فردا که بهار آید، صد لاله به بار آید

از خون شهیدانت، جوشش به مزار آید